حج در سيره پيامبر ( صلّي الله عليه وآله )

جواد محدثي

مقدمه

نگاه و پيروي از اسوه و الگو ، آدمي را زودتر به هدف مي رساند .

پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) و امامان ( عليهم السلام ) و اولياي دين ، سرمشق مسلمانان اند و آشنايي با سيره اخلاقي و عبادي آنان ، براي بهتر پيمودن اين مسير بسيار مفيد است .

از اين رو ، توجه به سيره پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) در عبادت ، به ويژه در انجام مناسك حج و حضور در اين شعائر ابراهيمي ، براي امت او كارساز است .

آنچه مي خوانيد ، نمونه هايي است از شيوه حج گزاري آن حضرت ، كه در منابع تاريخي و حديثي آمده است ، باشد كه آن « اسوه حق » را در همه ابعاد زندگي الگوي عمل قرار دهيم ، تا زودتر و درست تر به مقصود برسيم .

حرمت مكه و كعبه

خانه توحيد و قبله مسلمين ، كه بازسازي آن ، يادگار ابراهيم خليل ( عليه السلام ) است ، مكاني است مقدس و شهري است مورد احترام . پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) نيز اين حرمت را پاس مي داشت و با ذكر و دعا و رعايت ادب ، بر قداست آن توجه مي داد و با تهليل و تكبير وارد شهر و حرم الهي مي شد . هنگام رفتن به مكه ، از تپه شمالي وارد و از ناحيه جنوب خارج مي گشت . ( 1 )

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . الطبقات الكبري ، ج2 ، ص107

10

نقل شده است كه تنها يك بار به درون كعبه رفت . جامه و عبايش را زير پاي خود انداخت و كفش هايش را از پاي در آورد و ميان دو ستون داخل كعبه ، دو ركعت نماز گزارد . ( 1 )

هنگام ورود به مكه ، خدا را به عنوان « ذي المعارج » و صاحب والايي بسيار مي ستود . در مسير راه ، هنگام برخورد با هر سواره اي يا فراز آمدن بر هر تپه اي يا فرود آمدن به هر وادي و در فرصت هاي آخر شب و در پي نمازها « لَبَّيْكَ اللّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لا شَرِيْكَ لَكَ لَبَّيْكَ » مي گفت ( 2 ) و گاهي در طول راه ، پياده ها را سوار بر شتر خويش مي كرد .

احرام و تلبيه

پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) در دو پارچه يماني احرام مي بست ؛ همان دو جامه احرام كه هنگام وفات نيز در همان ها كفن شد . ( 3 )

جابربن عبدالله نقل كرده كه پيامبر هنگام احرام اينگونه لبّيك گفت :

« لَبَّيْك ، اَللَّهُمَّ لَبَّيْك ، لَبَّيْكَ لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْك ، اِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ ، لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْك » . ( 4 )

همچنين نقل شده كه آن حضرت ، شب را در ذو الحُليفه مي گذراند . هنگام صبح ، پس از نماز فجر ، بر مركب خويش سوار مي شد و لبيك مي گفت . فضل بن عباس نيز نقل كرده كه پيامبر ، در طول سفر ، لبيك مي گفت تا آن كه رمي جمره عقبه كند . آنگاه هفت سنگ بر جمره عقبه مي زد و با هر سنگريزه ، تكبير مي گفت ( 5 ) و چون از گفتن لبيك فراغت مي يافت ، از خداي متعال ، مغفرت و رضايت او را مي خواست و در خواست رهايي از آتش دوزخ داشت . ( 6 )

از محرمات احرام ، زير سايه رفتن است ، مگر آنگاه كه به منزلگاه برسند و زير سقف يا خيمه بگذرانند .

روزي يكي از معاندان ، از امام كاظم ( عليه السلام ) در باره استظلال ( زير سايه رفتن ) پرسيد و اين كه مگر ميان سايه كجاوه در حال سفر با سايه خيمه در حال نزول فرقي هست ؟ حضرت موسي بن جعفر ( عليهما السلام ) او را از اين كه در دين قياس مي كند نكوهش كرد و فرمود : ما مثل پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) عمل مي كنيم و مثل او ذكر و لبيك مي گوييم . سپس فرمود :

« پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) بر مركب خويش سوار مي شد و هنگام سوار شدن ، سايه بان نداشت و گاهي حرارت آفتاب او را رنج مي داد . بعضي از بدنش را با بعضي ديگر

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . تهذيب الاحكام ، ج5 ، صص491 و 279

2 . الكافي ، ج4 ، ص249

3 . همان ، ص339

4 . جعفريات ، ص64

5 . طبراني ، المعجم الكبير ، ج12 ، ص279 و ج18 ، ص268

6 . همان ، ج4 ، ص85

11

و گاهي صورتش را با دستش مي پوشانيد . اما آنگاه كه در منزلگاه فرود مي آمد ، زير خيمه و سايه خيمه يا سايه ديوار قرار مي گرفت . » ( 1 )

از مواقع استجابت دعا ، هنگام ورود به خانه خداوند است كه چشم زائر به بيت الله مي افتد . خدايي كه از بندگانش خواسته به زيارت خانه اش آيند ، سزاوار است كه در لحظه ورود ميهمان ، پذيرايي كند و پذيرايي خدا استجابت دعاست . از اين رو ، در آن لحظه سفارش به دعا شده است . پيامبر گرامي ( صلّي الله عليه وآله ) نيز چنين روشي داشت و هنگامي كه از طرف خانه يعلي مي خواست وارد مسجد الحرام شود ، رو به كعبه مي ايستاد و اين چنين دعا مي كرد :

« إنَّ النَّبِيّ ( صلّي الله عليه وآله ) إذا جاء مكاناً من دار يعلي استقبل البيتَ فَدَعا » . ( 2 )

ادب طواف

در سيره نبوي ، در باره « طواف » نكات متعددي نقل شده كه به برخي از آن ها اشاره مي شود :

از امام صادق ( عليه السلام ) در باره ويژگي طواف پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) پرسيدند . حضرت فرمود :

پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) شب و روز ، ده بار طواف مي كرد ؛ هر بار هفت دور . سه بار در آغاز شب ، سه بار در آخر شب ، دو بار هنگام صبح و دو بار بعد از ظهر . و در فاصله اين نوبت ها به استراحت مي پرداخت . ( 3 )

در حديثي از امام هادي ( عليه السلام ) نقل شده كه آن حضرت فرمود :

« إنّ رَسُولَ الله كانَ يطوفُ بالبيتِ وَيُقَبِّلُ الْحَجَرَ » . ( 4 )

« پيامبر خدا خانه خدا را طواف مي كرد و حجر الاسود را مي بوسيد . »

امام صادق ( عليه السلام ) در حال طواف بود كه سفيان ثوري از آن حضرت پرسيد : وقتي پيامبر ( صلّي الله عليه وآله ) هنگام طواف به حجر الأسود مي رسيد ، چه مي كرد ؟ حضرت فرمود : « كانَ يستلِمُهُ في كلّ طواف فريضة و نافلة » ، در هر طواف واجب و مستحب ، دست بر آن مي كشيد . آنگاه امام صادق به طواف پرداخت و چون مقابل حجرالاسود رسيد ، عبور كرد و آن را استلام نكرد . سفيان ثوري خود را به حضرت رسانيد و گفت : مگر نفرموديد كه پيامبر در هر طواف واجب و مستحب ، حجرالأسود را لمس مي كرد ؟ پس چرا خودتان چنين نكرديد ؟ امام صادق ( عليه السلام ) فرمود : مردم براي پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله )

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . الكافي ، ج4 ، ص350

2 . مسند احمد ، ج4 ، ص61 و ج5 ، ص374

3 . الكافي ، ج4 ، ص428

4 . همان ، ص567

12

جايگاهي قائل بودند كه براي من قائل نيستند . وقتي پيامبر به حجر الأسود مي رسيد ، راه را براي حضرتش مي گشودند تا استلام كند و من خوش ندارم كه در ازدحام و شلوغي جمعيت وارد شوم . ( 1 )

از علي ( عليه السلام ) نيز روايت شده است كه :

« كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ( صلّي الله عليه وآله ) يَسْتَلِمُ الرُّكْنَيْنِ ؛ الَّذِي فِيهِ الْحَجَرُ الاَْسْوَدُ وَالرُّكْنَ الْيَمَانِيَّ ، كُلَّمَا مَرَّ بِهِمَا فِي الطَّوَافِ » . ( 2 )

آنچه در انجام مناسك و عبادات مهم است ، تبعيت از سيره اولياي دين است و اين عملي تعبّدي است نه قياسي و استحساني . پيروان واقعي نيز بايد در كيفيت حج گزاري ، دقيقاً بر اين منوال و سيره حركت كنند .

پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) هرگاه عبورش به حجرالأسود و يماني مي افتاد ، آن را استلام مي كرد و دست بر آن ها مي كشيد . آنچه در انجام مناسك و عبادات مهم است ، تبعيت از سيره اولياي دين است و اين عملي تعبّدي است نه قياسي و استحساني . پيروان واقعي نيز بايد در كيفيت حج گزاري ، دقيقاً بر اين منوال و سيره حركت كنند .

بريدبن معاويه عِجلي از حضرت صادق ( عليه السلام ) پرسيد :

چرا مردم هنگام طواف ، ركن حجرالأسود و يماني را استلام مي كنند ، اما دو ركن ديگر كعبه را استلام نمي كنند ؟

حضرت فرمود : همين پرسش را عبادبن صُهَيب بصري هم از من پرسيد . به او گفتم : زيرا كه پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) اين دو را استلام كرد ، اما آن دو را استلام نكرد و بر مردم است كه آنگونه عمل كنند كه پيامبر عمل كرده است :

« إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ( صلّي الله عليه وآله ) اسْتَلَمَ هَذَيْنِ وَلَمْ يَسْتَلِمْ هَذَيْنِ فَإِنَّمَا عَلَي النَّاسِ أَنْ يَفْعَلُوا مَا فَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ ( صلّي الله عليه وآله ) . . . » . ( 3 )

آب زمزم

زمزم ، به صورت چشمه اي زير پاي اسماعيل ( عليه السلام ) جوشيد . در آن واديِ خشك و

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . همان ، ص404

2 . مستدرك الوسائل ، ج9 ، ص389 ؛ الدعائم ، ج1 ، ص312

3 . وسائل الشيعه ، ج13 ، ص340 ؛ علل شرايع ، ص428

13

بي آب ، كه سعي هاجر ميان صفا و مروه ، براي يافتنِ آب به جايي نرسيد ، به اعجاز الهي ، مايه آباداني و بركت آن منطقه شد . آب زمزم فضيلت بسيار دارد و نوشيدن از آن مستحب است .

از حضرت رسول ( صلّي الله عليه وآله ) روايت است كه :

« مَاءُ زَمْزَمَ دَوَاءٌ مِمَّا شُرِبَ لَهُ » . ( 1 )

« آب زمزم براي هر دردي كه به خاطر آن نوشيده شود ، درمان است . »

پيامبر اعظم ( صلّي الله عليه وآله ) به اين آب علاقه داشت و از آن مي نوشيد و گاهي مي فرمود تا براي او سوغات آورند . به نقل ابن شهر آشوب :

« كانَ النّبيُّ يأتي زَمْزَمَ فَيَشرِبُ مِنها شَربَةً » . ( 2 )

« پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) سراغ زمزم مي رفت و از آب آن مي نوشيد . »

در اين حديث روشن نيست كه اين عمل ، شيوه آن حضرت در پيش از اسلام و قبل از بعثت بوده يا پيش از هجرت و يا به دوران رسالت بر مي گردد . اما نقل ديگري وجود دارد كه اهتمام آن حضرت را به آب زمزم مي رساند :

« كَانَ النَّبِيُّ ( صلّي الله عليه وآله ) يَسْتَهْدِي مِنْ مَاءِ زَمْزَمَ وَهُوَ بِالْمَدِينَةِ » . ( 3 )

« پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) دوراني كه در مدينه بود ، همواره مي خواست كه از آب زمزم برايش هديه و سوغات بياورند . »

قرباني

قرباني به درگاه خداوند ، نشانه تسليم و تعبّد و فداكاري و ايثار است . از اين رو ، مستحب است قرباني حاجي چاق ، درشت و پرگوشت باشد . تا هم خير بيشتري به مردم برسد و هم گذشت بيشتري از مال ، در راه خداوند صورت گيرد .

سيره حضرت رسول آن بود كه قوچي بزرگ ، چاق و نر قرباني مي كرد . رنگش كبود مايل به سفيدي بود .

ابن عباس نقل مي كند كه پيامبر خدا دو گوسفند سفيد قرباني مي كرد ، پاي خود را هنگام ذبح بر روي آن مي گذاشت و مي فرمود : « بِسْمِ اللَّهِ مِنْكَ وَلَكَ ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنْ مُحَمَّد . . . » . ( 4 )

و به روايت منقول از عبدالله بن سنان :

« پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) روز عيد قربان دو گوسفند ذبح مي كرد ؛ يكي از جانب خود ، ديگري به نيابت از هر كس از امتش كه توان قرباني نداشت . امير مؤمنان ( عليه السلام ) نيز دو قرباني مي كرد ؛ يكي از جانب خود و

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . محاسن برقي ، ج2 ، ص399

2 . ابن شهر آشوب ، مناقب ، ج1 ، ص36

3 . تهذيب الاحكام ، ج5 ، ص417

4 . المعجم الكبير ، ج11 ، ص122

14

ديگري از طرف پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) . » ( 1 )

نقل ديگري درباره شيوه قرباني كردن پيامبر چنين است :

« پيامبر دو گوسفند سفيد را نزديك مي آورد ؛ يكي را ذبح مي كرد و مي فرمود : خدايا ! اين از جانب محمد و آل محمد . ديگري را نزديك مي آورد و هنگام ذبح مي فرمود : خداوندا ! اين از جانب امّتم . هركس كه به يگانگي تو و به ابلاغ رسالتم شهادت دهد . » ( 2 )

اين كه حاجي خود به قربانگاه رود و خود قرباني را سر ببرد ، مطلوب و بهتر است از نيابت . انس بن مالك نقل مي كند كه پيامبرخدا ( صلّي الله عليه وآله ) خود با دست خويش قرباني اش را ذبح مي كرد و نام خدا را بر زبان مي راند : « كانَ رَسُولُ اللهِ يَذْبَحُ أضحيتَهُ بِيَدِهِ وَيُسمّي فِيها » . ( 3 )

حلق و تقصير

روز عيد قربان ، روز پاكي جان و بيرون آمدن از تعلّقات و زدودن زوايد است . تراشيدن سر نيز يكي از نمادهاي « علقه زدايي » است . از امام صادق ( عليه السلام ) روايت شده است :

« قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ( صلّي الله عليه وآله ) يَوْمَ النَّحْرِ يَحْلِقُ رَأْسَهُ وَيُقَلِّمُ أَظْفَارَهُ وَيَأْخُذُ مِنْ شَارِبِهِ وَمِنْ أَطْرَافِ لِحْيَتِهِ » . ( 4 )

« پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) روز عيد قربان ، موي سرش را مي تراشيد . ناخن هايش را كوتاه مي كرد و بخشي از شارب و محاسن ( ريش و سبيل ) خود را كوتاه مي كرد . »

اين شيوه كه به نظافت و آراستگي و اصلاح سر و صورت مربوط مي شود ، شايسته روز عيد است كه روز زينت و تجمّل است .

پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) روز عيد قربان دو گوسفند ذبح مي كرد ؛ يكي از جانب خود ، ديگري به نيابت از هر كس از امتش كه توان قرباني نداشت . امير مؤمنان ( عليه السلام ) نيز دو قرباني مي كرد ؛ يكي از جانب خود و ديگري از طرف پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) .

رمي جمره

رمي جمره كه يكي از اعمال حج است . نشان طرد شيطان و راندن آن از خويش است . اين عمل در روز عيد قربان و دو روز بعد انجام مي گيرد .

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . كافي ، ج4 ، ص495 ؛ بحارالانوار ، ج16 ، ص276

2 . مجمع الزوائد ، ج4 ، ص23

3 . الطبقات الكبري ، ج1 ، ص293

4 . الكافي ، ج4 ، ص502 ؛ علامه طباطبايي ، سنن النبي ، ص393

15

از حضرت باقر ( عليه السلام ) روايت شده است كه فرمود :

« أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ( صلّي الله عليه وآله ) كَانَ يَرْمِي الْجِمَارَ مَاشِياً » . ( 1 )

« پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) جمرات را پياده رمي مي كرد . »

و طبق نقل جابربن عبدالله ، پيامبر خدا روز عيد قربان ، هنگامي كه آفتاب بالا آمده بود ، جمرات را رمي مي كرد ، اما روزهاي پس از عيد ، پس از زوال خورشيد و بعد از ظهر رمي مي كرد . ( 2 ) و ابن عباس نقل كرده كه آن حضرت ، پس از زوال خورشيد ( نيم روز ) ، رمي جمرات مي كرد و چون فارغ مي شد ، نماز ظهر را مي خواند . ( 3 )

و طبق نقل حضرت صادق ( عليه السلام ) پيامبر خدا روز عيد ، چون از مزدلفه به منا آمد ، ابتدا سراغ جمره عقبه رفت و با هفت سنگ ريزه آن را رمي كرد . سپس به منا برگشت و اين بخشي از سنت است . ( 4 )

شوق حرم و عشق نماز

خانه خدا در مكه ، محبوب دل هاست و عبادت در آنجا ثواب بسيار دارد و دل هاي عاشق ، با آن مسجد مقدس انس و الفت دارند . از ابن عباس نقل شده كه پيامبر خدا در شب هاي تشريق ، هر شب از منا به مكه مي آمد و خانه كعبه را زيارت مي كرد : « أنّ النَّبِيّ كانَ يَزُورُ الْبَيْتَ كُلَّ لَيْلَة مِنْ لَيالِي مِني » . ( 5 ) در حديثي هم آمده كه امام باقر ( عليه السلام ) در پاسخ نامه ابراهيم بن شيبه چنين نوشت :

« كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ( صلّي الله عليه وآله ) يُحِبُّ إِكْثَارَ الصَّلاَةِ فِي الْحَرَمَيْنِ فَأَكْثِرْ فِيهِمَا وَأَتِمَّ » . ( 6 )

« پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) دوست داشت كه در مدينه و مكه بسيار نماز بخواند . تو هم در اين دو شهر نماز زياد بخوان و نماز را تمام اقامه كن نه شكسته . »

مسجد قبا يكي از مساجد مورد علاقه پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) بود . هر گاه به قبا مي رفت در منزل سعدبن خيثمه انصاري فرود مي آمد . سراغ مسجد قبا مي رفت ، از چاه ، آب مي كشيد و پاهاي خود را مي شست و از روي سنگ هاي كنار جاده عبور مي كرد و در آن مسجد نماز مي خواند . طبق نقل ابوسعيد خدري ، آن حضرت هر هفته روزهاي شنبه پياده به مسجد قبا مي رفت . گاهي هم سواره اين راه را مي پيمود : « أَنَّ النَّبِيَّ كانَ يَأْتِي قُباء ماشِياً وَراكِباً » . ( 7 )

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . كافي ، ج4 ، ص486

2 . الطبقات الكبري ، ج2 ، ص138

3 . المعجم الكبير ، ج11 ، ص313

4 . دعائم الاسلام ، ج1 ، ص323

5 . المعجم الكبير ، ج12 ، ص159

6 . كافي ، ج4 ، ص524

7 . الطبقات الكبري ، ج1 ، صص188 و 189

16

زيارت اُحُد

تكريم شهدا و زيارت تربت جان باختگان راه خدا ، اجر فراوان دارد و نشر فرهنگ جهاد و شهادت است .

پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) نيز در اين احياگري و اكرام ، سهم داشت . به روايت امام صادق ( عليه السلام ) :

حضرت رسول ، هرگاه به زيارت قبور شهدا ( در احد ) مي رفت ، خطاب به آن شهيدان اين آيه قرآني را مي خواند :

{ سَلامٌ عَلَيْكُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَي الدّارِ } . ( 1 )

« سلام و درود بر شما به خاطر آنچه كه صبر كرديد . پس سراي آخرت چه جاي خوبي است ! » ( 2 )

رفتن به ديدار كسي كه از سفر حج و زيارت خانه خدا برگشته و درود و تحيّت گفتن به او ، از آداب و سنت هاي حج و تعظيم شعائر الهي است و ثواب دارد .

حضرت صادق ( عليه السلام ) ازپدران بزرگوارش در باره سيره حضرت رسول در اين مورد ، چنين نقل كرده است :

« إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ( صلّي الله عليه وآله ) كَانَ يَقُولُ لِلْقَادِمِ مِنَ الْحَجِّ : تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْكَ وَأَخْلَفَ عَلَيْكَ نَفَقَتَكَ وَغَفَرَ ذَنْبَكَ » . ( 3 )

« پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) به كسي كه از حج بر مي گشت ، مي فرمود : خداوند از تو بپذيرد و هزينه ات را جايگزين سازد و گناهت را ببخشد . »

به ديگران نيز توصيه مي كرد : هرگاه به

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . رعد : 24

2 . كامل الزيارات ، ص64

3 . المحاسن ، ج2 ، ص127

17

ديدار حاجي رفتي ، به او سلام ده و مصافحه كن و بخواه كه قبل از ورود به خانه اش در حق تو دعا و استغفار كند .

آموزش مناسك

اهتمام پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) بر اين كه زائران خانه خدا و انجام دهندگان حج و عمره ، مناسك خود را به درستي انجام دهند ، بسيار بود و در مواقف مختلف به آنان ياد مي داد ؛ از جمله پيش از عزيمتشان به سفر ، به آنان مي فرمود :

« تَعَلَّمُوا مَنَاسِكَكُمْ فَإنَّها مِنْ دِيْنِكُمْ » . ( 1 )

« مناسك خويش را بياموزيد ، كه اين جزئي از دين شماست . »

حذيفه نقل مي كند پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) فرمان داد كه مؤذنان همه جا ، در مناطق بالا و پايين ، اعلام كردند كه رسول الله امسال قصد حج دارد كه به مردم حج و مناسك آن را بياموزد و اين آموزش و فراگيري ، پايه و سنتي شود تا آخر روزگار . همه مسلمانان در سال دهم هجرت در حج مشاركت كردند ، تا هم شاهد منافع خويش باشند و هم پيامبر خدا حج را به آنان بياموزد و مناسكشان را به ايشان بشناساند .

پيامبر همراه مردم و همسرانش به حج رفت ـ همان سال حَجّة الوداع ـ حج خود و مناسكشان را انجام دادند و مردم همه آنچه را بدان نياز داشتند آموختند و حضرت رسول ( صلّي الله عليه وآله ) به آنان اعلام كرد كه آيين حضرت ابراهيم را برايشان بر پا داشته است . همه بدعت هاي مشركان را پس از ابراهيم زدوده و حج را به حالت نخستين خود برگردانده است . ( 2 )

از ابن عمر نيز روايت است كه : پيامبرخدا ( صلّي الله عليه وآله ) يك روز قبل از ترويه براي مردم خطبه مي خواند و آنان را نسبت به مناسك خود آگاه مي كرد :

« كانَ رَسُولُ اللهِ ( صلّي الله عليه وآله ) إِذا كانَ قَبْلَ التَّرْوِيَةِ بِيَوْم خَطَبَ النَّاسَ فَأَخْبَرَهُمْ بِمَنَاسِكِهِمْ » . ( 3 )

حجّ آگاهانه ، توصيه حضرت رسول بود . در خطبه روز غدير هم در بازگشت از حجّة الوداع ، در جمع مسلمانان حاضر فرمود :

« مَعَاشِرَ النَّاسِ ! حُجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَالتَّفَقُّهِ . . . » . ( 4 )

« اي مردم ، با كمال دينداري و همراه با دين شناسي و تفقّه ، حج خانه خدا كنيد . »

اين ها نمونه ها و گوشه هايي بود از

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

1 . تاريخ دمشق ، ج26 ، ص211

2 . الحج و العمره في الكتاب و السنه ، ص246

3 . همان .

4 . احتجاج ، ج1 ، ص156

18

سيره نبوي در مورد حج خانه خدا و مناسك حج و اعمال گوناگون اين زيارت معنوي كه آورديم .

البته در مورد چگونگي حج گزاري پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) در آخرين سال عمر شريفش و جزئيات آن سفر پر خاطره ، كه در منابع حديثي و تاريخي گزارش شده ، گفتني بسيار است و كتاب هاي مستقلي نگاشته شده كه شيوه حج پيامبر خدا ( صلّي الله عليه وآله ) را ترسيم مي كند . ليكن آنچه در اين نوشته تقديم شد ، نكاتي است كه در نقل هاي تاريخي و احاديث ، به صورت سيره مستمر و روش ساري و جاري آن حضرت در اين زمينه آمده است .

باشد كه از سيره آن رسول مكي و مدني ، در همه ابعاد ؛ از جمله در چگونگي حج گزاري الهام بگيريم و با تأسّي به سيره نبوي ، گام جاي گام آن پيامبر رحمت بنهيم ، ان شاء الله .

از سيره آن رسول مكي و مدني ، در همه ابعاد ؛ از جمله در چگونگي حج گزاري الهام بگيريم و با تأسّي به سيره نبوي ، گام جاي گام آن پيامبر رحمت بنهيم